

## جنبش دانشجویی و طبقه کارگر

نادر شکبیا

۱۸ تیر چون ۱۶ آذر با اسم دانشجو و مبارزات دانشجویی رقم خورده است. اما یک ویژگی ۱۸ تیر را از ۱۶ آذر متمایز می سازد و آن عبور جنبش ۱۸ تیر از مرز مبارزات و خواستهای دانشجویی است. جنبش دانشجویی از یک سو از پشت نرده های دانشگاه ها به بیرون سرایت کرده و مورد استقبال و حمایت مردم قرار گرفته است و از سوی دیگر حضور و حمایت و شعارهای مردم این جنبش را از چهار چوب مبارزات و خواستهای صنفی دانشجویی خارج نموده و آن را ارتقا بخشیده و تبدیل به یک جنبش مردمی کرده است.

۱۸ تیر رفته رفته به روز میثاق مردم برای اتحاد و مبارزه در برابر هر نوع بی عدالتی و بی حقوقی تبدیل می شود، روز همبستگی که مردم، اتحادشان را برای تحقق خواستهای عمومی و مشترکشان به نمایش می گذارند و به میدان می آیند. اینچنین است که با نزدیک شدن ۱۸ تیر سرها به سوی ایران می چرخد و ایران و مبارزات مردم آن کانون خبر می شود، در چنین شرایطی طبقه و اقشار و گرایشهای مختلف، سعی در ایفای نقش و گرفتن ابتکار عمل و زدن مهر و نشان خود بر این حرکتها دارند.

واقعیت این است که هر طبقه، قشر و گرایشی هر قدر حضور پررنگتر نقش مؤثرتری در این جنبش داشته باشد، خواهد توانست شعارها و خواستهای خود را بر آن سوار کند و اهداف خود را متحقق سازد. کشمکش بین اقشار و جریانهای مختلف برسر استفاده از موج به پا خاسته و تصاحب سکان رهبری برای راندن این جنبش به سمت تحقق اهداف و خواسته های خود و بهره برداری از آن در جریان است. هر قشر و گرایشی، هر طبقه و جریانی سعی می کند با جا انداختن شعار و خواسته های خود در بین مردم و تبدیل کردن خواسته ها و شعارهای خود به شعارهای مردم به اهداف خود نزدیک شود.

جنگ بزرگی درگرفته است ایران آستان حوادث است، معادلات سیاسی در حال تغییر است. سؤال این است نقش ما کارگران و طبقه ما در این کارزار چیست و جایگاهمان کجاست؟

اگر در این کارزار نظاره گر باشیم و یا چون سربازان بی اراده برای تحقق شعارها و خواسته های این یا آن طبقه و قشر و جریان سیاسی بجنگیم جز حاشیه نشینی چیزی نصیبمان نخواهد شد و توشه ای در جهت منافع کارگری امان برنخواهیم داشت، از این روست که باید وضعیت حساس کنونی از طرف پیشروان طبقه امان درک شود. به راستی در شرایط حساس کنونی و در این مبارزه سیاسی طبقاتی در کجا ایستاده ایم و در معادلات سیاسی آینده چه نقشی خواهیم داشت؟ نقش سیاهی لشکر که دیگران بهره اش را ببرند (چنانچه در سال ۵۷ دیدیم که چگونه میوه چینان حاصل مبارزات ما را تصاحب کردند) یا بر منافع مستقل طبقاتی امان تأکید خواهیم کرد و در صف مستقل و با شعار و خواست مستقل در جهت تحقق خواسته های غارت شده امان و در جهت تحقق آرزوهای انسانی امان حرکت خواهیم کرد. لحظات حساس کنونی را باید درک کرد، جامعه ما آستان حوادث است.

در طول چند سال گذشته کارگران و زحمتکشان حامیان و مدافعان جنبش دانشجویی بوده اند و همواره دوشادوش دانشجویان مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند و دستگیر شده اند، این در حالی بوده که عده ای محدود به عنوان طرفداری از کارگران، داد سخن داده اند که مبارزات و خواستهای جنبش دانشجویی به کارگران ربطی ندارد و از همبستگی مردم با جنبش دانشجویی نیز خرده گرفته اند که این همبستگی را چرا با کارگران نشان نمی دهند و بدین ترتیب خواسته و ناخواسته، آگاهانه و ناآگاهانه در صدد به تقابل کشاندن این دو جنبش بوده اند. این نظر آنچنان مخالفتی با حضور کارگران در مبارزات سیاسی و مطالبات آن می کنند که گویی تحقق آزادی بیان، اجتماعات، اعتراضات، آزادی احزاب و تشکلات و... به کارگران ربطی ندارد و از لغو زندان و شکنجه و اعدام و سرکوب تظاهرات و غیره کارگران سودی نمی برند، در این موضعگیری اساسا کارگران نظاره گران مبارزه برای مطالبات سیاسی اند و منتظر ظهور منجی.

در این نگاه کارگران با آگاهی و مبارزه به خواستههایشان نمی رسند، به کسی اقتدا می کنند و او تمامی خواسته های کارگران را یکجا و در یک چشم به هم زدن تحقق می بخشد، روایت غریبی است، در این روایت احتیاجی نیست کارگران برای خواسته های خود در عرصه های مختلف، مبارزه کنند و آن را متحقق سازند، فقط باید بتوانند در اقتداء اشتباه نکنند. نقد همه جانبه این نظر فرصت دیگری می طلبد اما علی رغم این ترفندها کارگران مبارز و پیشرو از حضور در کنار دانشجویان دریغ نکرده اند و این حضور و حمایت روز به روز پررنگ تر گشته و آن گرایشهای نیز به حاشیه رانده می شوند.

امروزه مبارزه ای برای آزادی و دموکراسی به طبقه کارگر مربوط است و از هر درجه ای تحقق آن کارگران سود می برند. امروز اگر دانشجویان حتما برای انتخاب رنگ لباس و مدل آن به خیابان بیایند و فقط این خواسته را مطرح کنند، باید مورد حمایت کارگران قرار گیرند. این نیز بحث مفصلی است که باید در جای دیگر به آن پرداخت اما به هر حال امروز این ضرورت از جانب بخشی از کارگران درک شده است و از این روست که در هر تظاهرات دانشجویی شرکت می کنند و در درون کارخانه مبلغ حضور کارگران واحد تولیدی خود در این تظاهرات بوده و آن را سازماندهی می کنند و اینچنین است که فعالین کارگری در غیاب یک تشکل مستقل کارگری فراگیر که بتواند در حمایت از دانشجویان متحد عمل کند به ابتکارات فردی به اتفاق همکارانشان در این تظاهرات حضور پیدا می کنند تا در غیاب تشکلات مستقل خود سهمی ادا کنند.

واقعیت این است که اگر امروز یک تشکل مستقل و سراسری کارگری وجود داشت، می توانست خواست دانشجویان را سریعاً عملی سازد. کارگران متشکل در چنین تشکلی می توانستند از همان جایگاه خود، کارخانه، این مرکز قدرت اقتصادی کارگران، درصافی مستقل و متحد و سراسری برای تحقق خواستهای دانشجویان و دیگر اقشار مردم در این مبارزه حضور یابند و این خواستها و شعارها را عملی سازند. تشکل قدرتمند سراسری و مستقل کارگری که می توانست به عنوان الیتماتوم به حکومتیان، یک اعتصاب یک ساعته را سازمان دهد. چنین اعتصابی که در آن کارگران شهرداری، حمل و نقل شهری و بین

شهری، آب، برق، پست و تلگراف و تلفن، نفت معادن، کارگران رشته های مختلف ساختمانی و تأسیساتی، کارگران کارگاههای زیر ده نفر، فلزکاران و کارگران فولاد، خودروسازان و نساجان، کارگران کشاورزی و طراحان صنعتی، معلمان و دیگر زحمتکشان آموزش و پرورش و... همه و همه در آن شرکت می کردند، می توانست گوش هر دیکتاتور را بتابد. اگر به دنبال چنین اعتصابی، التیماتوم داده می شد، در صورتی که تا ۴۸ ساعت خواسته های دانشجویان تحقق نیابد، قلب اقتصاد کشور از تپیدن باز خواهد ایستاد، تمامی شریانهای اقتصادی کشور از جریان باز خواهد ماند و خاموشی و سکوت بر تمام کشور مستولی خواهد شد به دنبال چنین التیماتومی، آنچه که در میان آتش و خون، گاز اشک آور و سرکوب، تحقق آن مشکل می نمود، پشت یک میز و از موضع قدرت حل می شد و دانشجویان برای خواسته های وسیع تر و اساسی تری خیز برمی داشتند. اینچنین است که در خلاء تشکلات مستقل کارگری، دانشجویان نیز لطمه می بینند و در شکل گیری چنین تشکلاتی منافع مستقیم دارند.

امروز اما چنین تشکلی وجود ندارد و در خلاء وجودی چنین تشکل کارگری، دانشجویان و دیگر اقشار مردم نیز بهای سنگینی می پردازند. سرکوب تظاهرات، ضرب و شتم افراد در اینجا و آنجا، زندان و شکنجه و محرومیت از حداقل آزادی های اجتماعی سیاسی، عادی شده است و این فقط گوشه هایی از این بهای سنگین و هولناک است، ابعاد هولناکتر و گسترده تر آن دامن کودکان، زنان، دانش آموزان، اقتصاد، فرهنگ، بهداشت و درمان، اخلاقیات و... را در سطح کلان می گیرد.

سوالی که امروز در رابطه با جنبش ۱۸ تیر در مقابل کارگران مطرح است و پاسخ به آن به ویژه در نزد فعالین کارگری بسیار با اهمیت و کلیدی است، این است که در خلاء نبود تشکلات مستقل کارگری در جهت حمایت از جنبش دانشجویی چه باید کرد؟ آیا باید چون گذشته به اتفاق چند همکار دیگر با حضور در جلوی نرده های دانشگاههای شهرهای مختلف و سردادن شعار با دانشجویان اعلام همبستگی کرد؟ آیا با همراه کردن چند کارگر دیگر از واحد تولیدی امان می توانیم شکوه و قدرت کارگری امان را در جهت همبستگی با دانشجویان بسیج کنیم؟ به راستی جایگاه حضور مستقل ما در جنبش ۱۸ تیر کجاست؟

در حمایت از دانشجویان و نشان دادن همبستگی با آنان کوچکترین شکی نیست با تمام وجود باید به کمک دانشجویان شتافت و از جنبش دانشجویی پر حرارت دفاع کرد اما این حمایت به چه شکلی باید صورت بگیرد که هم خواست جنبش دانشجویی و دانشجویان تحقق یابد و هم بر صف مستقل کارگری امان تأکید شود، اگر درست است که کارگران تنها از طریق تشکل مستقل و سراسری خود می توانند در تحقق خواسته های دانشجویان و تسریع این روند نقش کلیدی داشته باشند پس درست تر آن خواهد بود که حرکت ما به آن سمت جهت بگیرد.

امروز تمامی سرها به سمت ایران و جنبش ۱۸ تیر چرخیده است، هر طبقه و قشری سعی در حضور مستقل در این جنبش دارد، انواع و اقسام جریانها و گرایشهای سیاسی که بعضی از آنها جز سرکوب دانشجویان، چیزی در پرونده خود ندارند (سرکوبهایی که از ۱۶ آذر شاه تا ۱۸ تیر امتداد پیدا کرده است) امروز سعی می کنند مهر خود را بر جنبش دانشجویی بکوبند و از آن بهره برداری کنند. در این کشمکش طبقه ما در کجا ایستاده است؟

اگر ما به درست از دیدگاهی که در چهره های مختلف و با پز دوستی با کارگران به بهانه این که جنبش ۱۸ تیر ربطی به جنبش کارگری ندارد، برش کرده ایم، از سوی دیگر باید از نظری که نیروی اندک ما را در این حرکت منحل می کند و هرز می دهد گسست کنیم و این اتفاقا همانطور که قبلا گفتیم به نفع خود جنبش دانشجویی هم است.

منحل کردن خود در مقابل نرده های دانشگاه از ما توده بی شکلی می سازد که تمامی تلاشمان را یکجا به حساب طبقه و اقشار دیگر می ریزد.

حضور در جلوی نرده های دانشگاهها که تنها شکل حمایت تاکتونی از طرف فعالین و محافل مستقل کارگری از جنبش دانشجویی بوده است از این جهت باید مورد نقد قرار گیرد که نه تنها این سبک حمایت و کار به ویژه در شرایط کنونی، نطفه های تشکلات مستقل را ایجاد و تقویت نمی کند که فعالین آن را در جنبش علی العموم شناور می کند و این شناور شدن است که فعالین و محافل مستقل کارگری را در درون این حرکت و در کنار نرده های دانشگاه یا در خیابانها به انحلال می کشد، محافلی که خود می توانند در صورت حرکت مستقل با تکیه بر قدرت اقتصادی کارگران عامل مهمی در ایجاد و رشد تشکلات مستقل کارگری باشند.

اینچنین است که نیروی کارگران در میان جنبش علی العموم هرز می رود و در نتیجه نه تنها کارگران توشه ای از این جنبش بر نمی دارند که حرکتشان برای جنبش دانشجویی هم مثر نمی گردد.

حضور غیر مستقل در چنین جنبش علی العمومی، منافعی به حساب طبقه و اقشاری سرازیر می شود که صف خود را دارند و در این جنبش سیاست گذاری می کنند و تعیین جهت، بنابراین تأکید بر حمایت کارگران از دانشجویان در صف مستقل خود، از یک سو ایجاد و گسترش تشکلات مستقل کارگری را مد نظر دارد که می تواند چون ابزاری در جهت تحقق خواسته های بعدی کارگران قرار بگیرد و از سوی دیگر حرکتی مثر تر در جهت تحقق خواسته های دانشجویان است، در عین حال در دوره حساس کنونی، حضور مستقل کارگران، در معادلات سیاسی آینده به عنوان یک نیرو و طبقه مستقل که خواسته های مستقل خود را دارد می کند، بدین معنا که در معادلات سیاسی آینده طبقه کارگر به عنوان یک نیرو و طبقه مستقل که خواسته های مستقل خود را دارد به حساب می آید و می تواند سهمی نصیب خود سازد و این معادلات را به نفع خود رقم بزند.

اما در شرایط کنونی چگونه می توان چنین اهدافی را متحقق نمود و در جهت آن حرکت کرد.

در اینجا نیز مثل همیشه فعالین و پیشروان کارگری مسئولیت سنگین تاریخی اجتماعی را به دوش می کشند. در وهله اول با روشنگری در واحد تولیدیمان باید همکارانمان از خصلت و ماهیت جنبش دانشجویی مطلع شوند، باید برایشان توضیح داده شود که دانشجویان چه می خواهند، باید برای کارگران حقوق فردی و خواسته های صنفی دانشجویان توضیح داده شود باید توضیح داده شود که دخالت در زندگی شخصی انسانها فاشیستی ترین و خفت بارترین و توهین آمیزترین نوع دخالتهاست. باید دخالت در زندگی فردی دانشجویان را در ابعاد مختلف باز کرد، باید زندگی سربازخانه ای و دخالت در تمامی شئون فردی آنها را برشمرد.

در زمینه خواستهای سیاسی و دموکراتیک دانشجویان باید روشن ساخت که دانشجویان چه می خواهند، باید مفهوم خواست سیاسی دموکراتیک دانشجویان را در رابطه با آزادی بیان، آزادی اجتماعات و تظاهرات، آزادی احزاب و تشکلهای، لغو سانسور و زندان و شکنجه و اعدام و..... توضیح داد و بر مشترک بودن این خواستها و تعمیق آنها از طرف کارگران تأکید کرد. در زمینه خواست صنفی اقتصادی دانشجویان نیز که خواهان عدم خصوصی سازی هستند، باید به کارگران توضیح داده شود که کارگران بیش از همه از این خصوصی سازی ها صدمه دیده اند و بیش از همه در برابر این سیاست ایستاده اند و پیشروی مبارزه با این سیاست بوده اند.

باید ارتباط مستقیم و نقاط مشترک خواست دانشجویان و جنبش دانشجویی را با خواست کارگران و جنبش کارگری روشن ساخت. باید کارگران با شعارهای مشترک این دو جنبش آشنا شوند. باید کارگران بدانند که اتفاقاً بر خلاف نظر بعضی ها بیشترین سود را طبقه کارگر از هر نوع گشایش و هر اندازه از تحقق این خواستها خواهد برد و از این روست که باید حضور فعال و مستقل در این جنبش داشته باشد.

در عین حال باید به ضرورت حضور مستقل در این جنبش تأکید کرد و شرایط حساس و ویژه کنونی را برای کارگران روشن ساخت.

این امر می تواند از طریق اطلاعیه ها و اجتماعات مختلف منجمله مجمع عمومی در درون کارخانجات صورت بگیرد. علاوه بر آن در شرایط پیش آمده کنونی می توان به راحتی در اجتماعاتی که به مناسبتهای مختلف در کوه و کارخانه و مهمانی ها صورت می گیرد، این موارد را طرح کرد. در این رابطه محافل مستقل کارگری نقش ارزنده ای می توانند ایفا کنند.

در شرایطی که دیگر جریانهای تمامی امکانات تبلیغی را از آن خود کرده اند، این تلاش خستگی ناپذیر فعالین و پیشروان کارگری است که با حضور شاداب خود در میان کارگران دیگر واحدها، عدم این امکانات را پوشش می دهند.

اما برای حضور مستقل در جنبش ۱۸ تیر فقط طرح خواستهای دانشجویان از طرق مختلف کافی نیست، باید با اطلاع رسانی وسیع در سطح کلان و با بهره گیری از تمام امکاناتمان، همچنین با بهره گیری از امکانات متحدین امان آنها را که واقعا به سازمان یابی مستقل کارگران می اندیشند و با کمک خود دانشجویان در جهت حضور مستقل خود در جنبش دانشجویی ۱۸ تیر حرکت مستقل خود را آغاز کنیم.

بعد از روشنگری در میان کارگران (که البته بخشی از فعالین و پیشروان کارگری آن را استارت کرده اند) باید طرح حرکت مستقل را پیش روی کارگران گذاشت و آن را سازمان داد.

در این روزها و به ویژه ۱۸ تیر باید در حد توانمان در واحدهای مختلف تولیدی و به اشکال مختلف دست به حرکت اعتراضی بزنیم و این اعتراض در جهت تحقق خواست دانشجویان و در حمایت از آنها صورت بدهیم. این حرکتها اعتراضی از کم کاری شروع و در شرکتهایی که شرایط ایجاد می کند (این شرایط را اتحاد و همبستگی کارگران، آگاهی آنها، رونق تولید در شرکت در شرایط تعطیلی کارخانجات، روحیه مبارزه جویی کارگران و آشنایی کارگران با خواست دانشجویان و ارتباط آن به جنبش کارگری و..... تعیین می کند) تا اعتصاب و تظاهرات ادامه می یابد. این حرکتها باید در حمایت علنی جنبش دانشجویی صورت گیرد و خواست کارگران را به آن اضافه کرد. با چنین حرکتی هم بر صف مستقل امان تأکید کرده ایم و هم از دانشجویان حمایت کرده ایم و جنبش دانشجویی را با جنبش کارگری گره زده ایم. دانشجویان نیز با حفظ صف مستقل خود، متحدین ما در پیشبرد این اهداف خواهند بود و ما را یاری خواهند کرد.

این حرکت می تواند به مثابه حرکت یک تشکل اعلام نشده، باشد. این حرکت در عین حال می تواند نطفه های اولیه یک تشکل پی ریزی کند. محافل مستقل، کارگران پیشرو و فعالین کارگری در شکل گیری چنین تشکلی اختلاف ندارند همه بر وجود چنین تشکلی تأکید داشته و در این جهت هم نظرند.

قابل توجه است که از نطفه های اولیه این تشکل صحبت می کنم، یعنی این حرکت می تواند زمینه ای برای به وجود آمدن یک تشکل مستقل قرار بگیرد. خودسازمان یابی طبقه ما از کانالهای مختلفی می گذرد، یکی از آنها می تواند این حرکت باشد. کلید خوردن چنین حرکتی می تواند و باید با حفظ گرایشها و نظرات مختلف فعالین و پیشروان کارگری و تمامی جریانهای علاقمند به خودسازمان یابی طبقه کارگر صورت بگیرد و اساساً یکی از ویژگی های تشکلات مستقل وجود گرایشها مختلف آن است.

تمامی نگاهها چه در داخل و چه در خارج به ۱۸ تیر معطوف است با حضور در صف مستقل در این جنبش ضمن حمایت از خواستهای دانشجویان، ضمن حمایت از خواستهای تمامی اقشار مختلف حاضر در این جنبش در جهت شکل گیری تشکلات مستقلمان توشه ای برداریم.

روز ۱۸ تیر را به روز حمایت از جنبش دانشجویی و مردمی از یک سو و ایجاد زمینه ای در جهت شکل گیری تشکلات مستقل کارگری از دیگر سو تبدیل کنیم.